

# حافظ دو ساله شد

## از شما متشکریم، اما...

اول، این که ماهنامه از جهت مالی هم چنان زیان می‌دهد؛ دوم، این که بسیاری از دوستان اهل قلم به دلیل چاپ نشدن یا کم چاپ شدن یا دیر چاپ شدن آثارشان از ما رنجیده‌اند؛ ما به ایشان متواضعانه می‌گوییم که ما به قول افلاطون، «حقیقت» را حتا از دوستان خودمان هم بیش‌تر دوست داریم. نیز شرافتمندانه و با سرفرازی به کسانی که انتظار و توقع بی‌جا از ما دارند، می‌گوییم که: ما اگر اهل باج‌دادن و رشوه‌دادن بودیم، به زوردارتر از شماها باج می‌دادیم. به ضوابط ما احترام بگذارید و اجازه دهید که کار کوچکی را که از عهده بر می‌آییم، پیش ببریم؛

سوم، این که من بینوا را در مقام «مدیر مسوول و سردبیر ماهنامه‌ی حافظ» چند نوبت به شکایت مدعی‌العموم محترم «دادسرای عمومی و انقلاب» طی این دو سال به اتهام «نشر اکاذیب به‌منظور تشویش اذهان عمومی» به دادسرا کشاندند و در بازپرسی ویژه‌ی رسانه‌ها در «دادسرای کارکنان دولت» (با این که من کارمند دولت نیستم و دیناری به هیچ عنوان از خزانه‌ی دولت حتا به‌عنوان حق‌التدریس و حق‌التالیف دریافت نمی‌کنم) به این تهمت تفهیم اتهام کردند؛ یک نوبت هم در فرودگاه مهرآباد گذرنامه‌ام را از من گرفتند؛ چندین نوبت هم مرا برای مصاحبه با مقامات امن عام به این‌جا و آن‌جا فراخواندند.

حاصل همه‌ی این احضار و اخطارها این شد که ما اکنون بیش‌تر از پیش‌تر خودمان را سانسور می‌کنیم و به امید حفظ مجله - و نه از بیم این جان‌عاریت که به حافظ سپرد دوست و دیر یا زودش باید تسلیم وی کرد - سخنان فراوانی را «که از نهفتن آن دیگ سینه می‌زد جوش» بر قلم نمی‌آوریم. راستی را روا نیست که **حافظ** را مفت از دست بدهیم. کار ما البته بی‌عیب نیست و به از این تواند بود، اما همین وجود ناقص هم از عدم صرف بهتر است.

چنین است که ما (بی‌آن که از شرف خویش مایه بگذاریم)، در مطالبه‌ی حقوق حقه‌ی خویش تا حدی کوتاه آمده‌ایم تا مقامات نظارتگر بر مطبوعات هم ما را تندرو نشمارند و حق‌آدمه‌ی انتشار مجله را از ما سلب نکنند، خطری که اگر ما سرمقاله‌های قبلی را هم چنان ادامه می‌دادیم، جدی بود.

به امید فردایی که هیچ نویسنده و گوینده‌ی در این خاک پاک حس اضطراب و عدم امنیت ما را تجربه نکند.

■ حسن امین

□ ماهنامه‌ی حافظ به سلامت دو ساله شد؛ داوری در باب کیفیت مجله را به خوانندگان و بویژه به آیندگان وامی‌گذاریم. تنها اما از جهت کمی دو سال کار ما مساوی‌ست با چاپ دقیقاً ۲۷۷۶ (دو هزار و هفتصد و هفتاد و شش) صفحه مطلب پژوهشی، ادبی، تاریخی، حقوقی و سیاسی از نزدیک به یک‌هزار استاد، پژوهشگر، ادیب، شاعر و منتقد ایرانی!

در ایران امروز، تعداد کسانی که در ۲۴ ماه گذشته ۲۷۷۶ صفحه کتاب و مقاله‌ی جدی خوانده باشند، متأسفانه فراوان نیستند. آمارها نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت هفتاد میلیونی ما، این قدر کتاب و مجله نمی‌خوانند.

از شما متشکریم که در دو ساله‌ی اخیر ۲۷۷۶ صفحه مطالب **ماهنامه‌ی حافظ** (و شاید بسیاری مطالب دیگر) را خواندید. از شما سپاسگزاریم که **ماهنامه‌ی حافظ** (و شاید کتاب‌ها و مجله‌های دیگر) را خریدید. از شما منت پذیریم که نویسندگان **ماهنامه‌ی حافظ** (و شاید دیگر نویسندگان و فرهنگ‌آفرینان) را در خدمت‌های فرهنگی یاری و هم‌راهی و تشویق کردید.

خواننده‌ی ایرانی، هوشمند، هوشیار، آگاه و بیدار است. تا کور شود هر آن که نتواند دید! بهترین شاهد ما بر این حقیقت، تعداد خوانندگان و خوانندگان **ماهنامه‌ی حافظ** است.

راستی را پشتیبانی شما از **ماهنامه‌ی حافظ** جای تقدیر و سپاس دارد. بهترین مجله‌ی دنیا، اگر خواننده و مخاطب نداشته باشد، دیر یا زود تعطیل خواهد شد و نسخه‌های چاپ شده‌ی خواننده‌نشده‌اش را خمیر خواهند کرد؛ اما نکته‌ی مهم‌تر چیز دیگری‌ست: همان‌طور که خواننده و خریدار دنبال کتاب و مجله‌ی خوب است، نویسنده‌ی خوب هم دنبال مخاطب خوب می‌گردد. **ماهنامه‌ی حافظ** از آن ما نیست؛ به شما نویسندگان و خوانندگان تعلق دارد. ما از سوی خوانندگان از نویسندگان و از سوی نویسندگان از خوانندگان سپاسگزاری می‌کنیم. که به قول حافظ:

سایه‌ی معشوق اگر افتاد، بر عاشق، چه شد؟

ما به او محتاج بودیم، او به ما مشتاق بود  
این است که ما دوباره می‌گوییم: ماهنامه‌ی ما به یمن کوشش و جوشش شما دو ساله شد، از شما متشکریم.

البته نشر مجله در این دو سال، بی‌دردسر نبوده است. ما وظیفه داریم به شما خوانندگان که صاحب واقعی این مجله‌اید، و نیز برای ثبت در تاریخ مطبوعات ایران، گزارش دهیم که: